



گفت‌وگو با بهزاد دانشگر به بهانه تازه‌ترین اثرش «نفس»

زندگی ایرانی سرشار از روایت‌های جذاب است

۱۴

۱۶

ایستگاه

نگاهی به فراز و فرود زندگی «صادق قطب‌زاده»

فرزند انقلاب خوار!

۱۲

ورزش

پدیده – پرسپولیس در مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی

یحیی آرزوی برانکورا نقش بر آب می‌کند؟

تنها دیدار باقیمانده از مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی عصر امروز و از ساعت ۱۷:۱۵ با قضاوت علیرضا فغانی در ورزشگاه آزادی بین دو تیم پرسپولیس و پدیده شهرخودرو برگزار خواهد شد که برنده این دیدار باید به مصاف سپاهان در مرحله نیمه نهایی

برود.دو تیم در شرایطی قرار است رودرروی هم قرار گیرند که دو هفته پیش نیز در اولین بازی از دور برگشت لیگ برتر به مصاف هم رفتند و سرخوشان تهرانی موفق شدند با نتیجه ۲ بر صفر حریف مشهدی خود را شکست دهند. اما شرایط این بازی با بازی های لیگ به کلی فرق می کند و به طور کلی تیم ها با استراتژی متفاوتی در جام حذفی حاضر می شوند...

۱۱

معارف

آیت‌الله تحریری مطرح کرد

تربیت انسان؛ اساس اقامه دین



گفت وگو با اشکان رهگذر کارگردان انیمیشن برتر جشنواره فیلم فجر

قصه‌ای شاهنامه‌ای در «آخرین داستان»

خواندنی‌ها

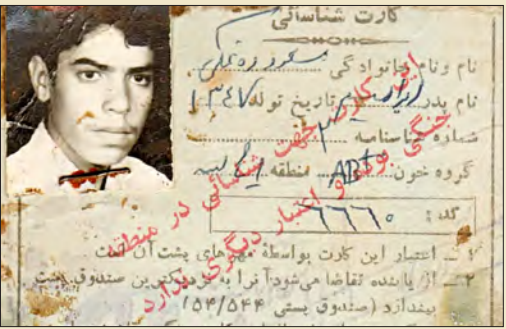
روسی آبی



نمی‌شود خبرنگار باشی و شیفته دکتر و بارها و بارها با بانو شریعت رضوی دیدار نکرده باشی. نخستین دیدارهایم در اواخر دهه ۶۰ بود که روزنامه کیهان دو کتاب دکتر را در صفحات رویی پاورقی می‌کرده فکر می‌کنم بازگشت و میعاد با ابراهیم خاتم دکتر شریعتی با من که آن‌موقع دبیر گروه اندیشه کیهان بودم، تماس گرفت و تشکر کرد. آقای مهدی نصیری مدیر مسئول وقت کیهان پس از خبردار شدن از این تماس، فکری کرد و گفت درسته که ما از مجموعه آثار دکتر داریم نقل می‌کنیم اما برای هر شماره پاورقی چیزی حدود یک‌ونیم تا دو برابر حق‌التالیف یک مقاله به من داد و من برای خاتم شریعت رضوی بردم. اولین بار که رفتم روسری آبی رنگی به سر داشت و داشت توی حیاط منزل جمال‌زاده شمالی گل‌های باغچه را آب می‌داده. منزلی که بعدها موزه دکتر شریعتی شد. جالب اینکه بارهای بعدی هم همیشه توی حیاط داشت به گل‌ها آب می‌داد و من اگر چه بارها ایشان را در جاهای مختلف دیگر دیدم، اما همیشه تصویرم از او خامی روسری بفسر در حال آب دادن به گل‌هاست.

ازصفحه‌اینستاگرامتقی‌دژاکام‌فعال‌رسانه‌ای‌ودبیرسابق‌استان‌های‌روزنامه‌کیهان

بچه‌های گردان حمزه



شب ۲۷ بهمن ۱۳۶۴ گردان سلمان جاده فوالم القصر، ده‌ها تانک روی جاده آماده پاتک بودند. دو شب پیش بچه‌های گردان حمزه بدون اطلاع از پاتک عراقی‌ها به خط زدنند. هر نفر با یک تانک باید می‌جنگید و امشب نوبت ما بود. ضد هوایی چهار لسلول را روز کف زمین خوابانده بودند و نفرات پیاده را می‌زدند. کارت جنگی‌ام داخل کیف پولم بود. آن قدر خون از پاهایم رفت تا برایم این کارت خونین را یادگار بگذارم. امشب ۳۴ سال از آن شب می‌گذرد. پدر و مادر سعید و مجید اکنون ۳۴ سال است که هر شب برایشان مجلس می‌گیرند. نمی‌دانم آن‌ها هم یاد ما هستند یا نه. البته تاریخ تولد درج شده در کارت تقلبی است. همه کسانی که با نقطه قرمز در عکس مشخص شده‌اند مسعود دهنمکی

وقتی حماسه‌ای کمتر شنیده شده از دفاع مقدس، سوژه شبکه‌های اجتماعی می‌شود

امتحان ایشار

تصویری از تشییع جنازه شهدای سال ۶۱ اصفهان

با دست خود خانه‌هایشان را برای میزبانی از شهدای گلگون‌گفن تخریب و آماده‌سازی کردند.

کجای دنیا دیده‌اید که

در یک روز ۳۵۰ شهید تشییع کنند

روز سه شنبه ۲۵ آبان سال ۱۳۶۱، روز حماسه مردم بود؛ مدارس، ادارات، کارخانه‌ها و بازارها تعطیل شد. میدان امام و خیابان‌های اطراف آن مملو از جمعیت بود. علما و انبوه مردم اصفهان، نمازی پرشکوه بر پیکر مطهر شهدا اقامه کردند و سپس پیام امام خمینی(ره) برای مردم خوانده شد. تابوت‌های شهدا در بازارچه پشت عالی قاو بود. از بلندگو نام شهدا یکی یکی خوانده شد و آن‌ها همچون ستاره در آسمان اصفهان و در بستان پر مهر و وفادار مردم می‌درخشیدند و به پیش می‌رفتند تا به گلزار شهدا برسند. هنوز نام شهدا تمام نشده بود که پیکر اولین شهدا به گلستان شهدا رسید. امام(ره) چند روز بعد در جمع مردم استان خراسان دوباره از مردم اصفهان تجلیل کردند و گفتند: شما در کجای دنیا می‌توانید جایی را مثل استان اصفهان پیدا کنید؟ همین چند روز پیش، فقط در شهر اصفهان حدود ۳۷۰ شهید را تشییع کردند» و سال‌ها بعد هم رهبر معظم انقلاب در جمع مردم اصفهان یاد و خاطره این حماسه را گرمی داشتند: «مردم اصفهان در یک روز ۳۷۰ شهید را تشییع کردند و خم به ابرو نیاوردند. بماند که همان روز اعزام به جبهه داشتند، پشتیبانی داشتند و حرکت کردند. این خیلی مهم است. تعداد شهدای اصفهان در همان ماه بیش از ۱۰۰۰ نفر است.»

وقتی یک شهر شهید می‌شود

مسئول ستاد شهدای اصفهان در خاطراتش می‌نویسد: در آن روزهای حماسی، حال و هوای غربی در کوچه‌ها و خیابان‌های اصفهان حاکم بود، به طوری که در بیشتر کوچه‌ها تخت شهدا علم شده بود و مقابل در تعداد فراوانی از خانه‌ها، اعلامیه و تخت دو یا سه شهید و حتی بیشتر نصب شده بود. مرتضی آراسته از نویسندگان اصفهانی حوزه دفاع مقدس هم درباره حماسه تاریخی اصفهانی‌ها در گلستان صحبت کردیم، که با موافقت و حتی اشتیاق بود، در آن روز خیلی‌ها برای تشییع سومین فرزند شهید خود به میدان آمده بودند، برخی خانواده‌ها تنها یک فرزند داشتند که او را ۲۵ آبان تشییع می‌کردند.

تاریخی را تا عمق ۱۵ کیلومتری می‌پذیرد. همچنین در عملیات الی‌بیت‌المقدس متحمل آن همه تلفات و خسارات سنگین می‌شود. چگونه است که هیچ کدام از شکست‌های ارتش مجهز عراق توجه آژانس‌های خبری غرب را جلب نمی‌کند و باز نیروی هوایی عراق دست نخورده اعلام می‌شود، در حالی که هواپیماهای بسیاری را در عملیات‌های متعدد از دست می‌دهد و تنها در عملیات محرم، ۱۰ فروند از هواپیماهای دشمن توسط پدافند ضدهوایی و شکاری‌های ایران سرنگون می‌شود.

۷۵۰ شهید اصفهانی

شاید باور نکردنی باشد، اما اصفهانی‌ها در عملیات محرم چیزی در حدود ۷۵۰ شهید دادند. شهدایی که امکان تشییع یکباره‌شان در شهر اصفهان وجود نداشت. سید علی بنی‌لوحی از رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) می‌گوید: در عملیات محرم ۱۲۵۰ شهید دادیم که ۷۵۰ نفر آن‌ها مربوط به شهر اصفهان بود. دیدیم اگر ۷۵۰ شهید را با هم بفروستیم اصفهان، مردم طاقت و تحمل ایسن همه شهید را ندارند. موضوع را با «حاج حسین خرازی» مطرح کردیم و ایشان هم به اصطلاح تأکیدش روی همین مسئله بود. تصمیم گرفتیم شهدا را در دو نوبت بفروستیم. ۳۳۰ شهید مرحله اول که تشییع شد و حماسه به وجود آمد، ۴ یا ۴ روز بعد ۲۵۰ شهید دیگر تشییع شدند و حماسه بزرگی آفریده شد.

مردمی که خانه‌هایشان را برای شهدا خراب کردند

تعداد شهدا این‌قدر زیاد بود که تنها آرامستان شهر اصفهان فضای کافی برای دفن پیکر این شهدا را نداشت. مسئول ستاد شهدای اصفهان در سال ۶۱ تعریف می‌کند: برای خاکسپاری ۳۷۰ شهید عملیات محرم فقط یک روز فرصت داشتیم تا خانه‌های اطراف گلستان شهدا را از سکنه تخلیه، تخریب و آماده‌سازی کنیم. عصر روز ۲۳ آبان ۶۱ به همراه چند نفر از اعضای ستاد شهدا به منازل اطراف گلستان شهدا سرزدیم و با اهالی در مورد برنامه خاکسپاری ۳۷۰ شهید و کمبود مکان در گلستان صحبت کردیم، که با موافقت و حتی اشتیاق و صف‌ناپذیری مردم به منظور تخلیه و تخریب خانه‌هایشان برای میزبانی از شهدای دفاع مقدس روبه رو شدیم. اهالی محل حتی داوطلبانه به کمک ما آمدند و سخلوتمندانه

خاطره تشییع باشکوه پیکر پاک ۱۷۵ شهید غواص هنوز فراومشمان نشده بود که اصفهانی‌ها در برفه و استقبال شهدای مظلوم حادثه ترورستی اتوبوس سپاه در زاهدان سنگ تمام گذاشتند و تصویر بی‌نظیری را خلق کردند که شاید در تاریخ ایران بی‌سابقه باشد. اما اصفهانی‌ها سال ۱۳۶۱ و پس از عملیات محرم، حماسه‌ای اینچنینی خلق کردند که جزو قاب‌های ماندگار هشت سال دفاع مقدس است. حماسه‌ای که تشییع پیکر شهدای حادثه ترورستی، دوباره آن را در خاطر همه زنده کرد و خیلی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیتر و اینستاگرام تصاویر آن روز تاریخی را دوباره به اشتراک گذاشتند. حالا ما هم به همین بهانه این واقعه تاریخی را بازخوانی کردیم.

نخستین عملیات برون مرزی ایران

برای بازخوانی حماسه ۲۵ آبان سال ۱۳۶۱ باید برگردیم به روزهای پس از عملیات رمضان. درست زمانی که فرماندهان نظامی ایران تصمیم به انجام عملیات محرم گرفتند، چون به آن اهدافی که باید می‌رسیدند، نرسیده بودند. عملیاتی که قرار بود در منطقه‌ای محدود به ارتفاعات حمزین، منطقه موسیان و دهلران و رودخانه دویرج با رزم‌آوری لشکرهای نجف اشرف به فرماندهی شهید احمد کاظمی، لشکر ۲۵ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی، لشکر ۱۷ علی‌بنی‌طالب به فرماندهی شهید مهدی زین‌الدین، لشکر ۱۴ امام حسین(ع) به فرماندهی شهید حسین خرازی، تیپ ۸۴ خرم‌آباد به فرماندهی سرهنگ اسکندر بیرانوند، تیپ قمر بنی‌هاشم به فرماندهی کریم نصر، تیپ ۳۵ امام سجاده(ع) به فرماندهی نبی رودکی و لشکر ۳۰ زرهی به فرماندهی فتح‌الله جعفری به عنوان نیروی احتیاط انجام شود. عملیات روز ۱۰ آبان آغاز و ۲۵ همان ماه هم به پایان رسید و بنابر اذعان کارشناسان به یکی از موفق‌ترین عملیات‌های تاریخ هشت سال دفاع مقدس تبدیل شد. ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسگاه‌های زبدیات، شهرهانی، ابوغریب و... و تأسیسات نفتی منطقه (۲۰ تا ۳۵ حلقه چاه نفت) آزاد شد و ۱۴ تیپ ارتش عراق بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد منهدم شدند. نیویورک تایمز پس از این عملیات در گزارشی نوشت: نزدیک به یک چهارم ارتش عراق توسط نیروهای مسلح ایران منهدم شده یا به اسارت در می‌آید. ارتش عراق در عملیات محرم فراری

مجاز آباد

یک فیلم آشغال



وحدید یامین‌پور در واکنش به اکران فیلم «آشغال‌های دوست داشتنی» در سینما

در توئیترش نوشت: «یک فیلم «آشغال» که مأموریتش عوض کردن جای شهید و جلا داد است، پس از چند سال توقیف دقیقاً در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب، مجوز گرفت و اکنون برنهای تبلیغاتی چند ده متری‌اش روی در و دیوار به نظام می‌خندند.

این هم آخرین لگد وزیر فرهنگ به فرهنگ بی صاحب، قبل از بر کناری‌اش».

برو خودت را بساز



نجم‌الدین شریعتی مجری برنامه سمت خدا در اینستاگرامش نوشت: «چند شبی است مشغول مطالعه کتاب زندگی و خاطرات حاج آقا مجتبی تهرانی رحمه‌الله علیه‌هستم. به داستان جالبی برخوردم، یکی از شاگردان حاج آقا نقل می‌کرد: یکبار برای رفتن به صدا و سیما خدمتشان رسیدم و کسب اجازه کردم. ایشان فرمودند که شما بروید. ابتدا در رادیو کار می‌کردم؛ تصویری نداشتیم. بعد از چند وقت دوباره آدم خدمت حاج‌آقا. گفتیم که دوستان آمدند سراغ بنده و اصرار می‌کنند که من جلوی دوربین قرار بگیرم و این‌طوری مردم مرا می‌شناسند. ایشان فرمودند: «شما با ملاحظاتی برو و حواست جمع باشد». من تقریباً بعد از یک سال آدم خدمتشان و عرض کردم که آقا من از شما اجازه گرفتم و شما فرمودید که برو. من هم رفتم و حالا باوری که مردم از من دارند خیلی بالا رفته است. ایشان فرمودند: «خوش به حالت. برو خودت را بساز؛ اندازه توقع مردم شو».

آخرین دستاوردهای برجام!



تصویر حسن روحانی در حال پایین آمدن از هواپیما با پله برقی اختصاصی سوژه فضای مجازی شده است. حمید رسایی با بازنشر تصویری از رئیس جمهور کشورمان در کنار تصویری از پادشاه عربستان در اینستاگرام نوشت: «حسن روحانی، نماد مدیریت اشرافی و رفاه طلبانه است. از نگاه چنین افرادی، معیارهای آبروی مسئولان جمهوری اسلامی، دختر شیک، ماشین شیک، خانه شیک و... است. این تفکر فرسنگ‌ها با آنچه خمینی(ره) برای آن انقلاب کرد و صدها هزار شهید با خونهاش آن را آبیاری کردند، فاصله دارد. پلکان برقی هواپیما با شیشه دودی و چراغ‌های روشن، آخرین دستاورد برجام که در بازگشت از سفر سوچی توسط روحانی رونمایی شد.

واکنش ثابتی به اعتراف مطهری



امیرحسین ثابتی در توئیتر نوشت: «دو هفته پس از انتشار گفت‌وگوی علی مطهری با رو رو و اعتراضات مختلف خونهاش آن را آبیاری کردند، فاصله دارد. پلکان برقی هواپیما با شیشه دودی و چراغ‌های روشن، آخرین دستاورد برجام که در بازگشت از سفر سوچی توسط روحانی رونمایی شد.

قهوه‌خانه‌های شهری در گذر زمان

«پاتوغ» هایی که آرام آرام «پاتوق» شدند



مرضیه نادری - زبان فارسی در زمره زبان‌های ترکیبی به شمار می‌آید. بسیاری از کلمات در زبان فارسی محصول فرایند ترکیب دو یا چند واژه هستند. کلمه «پاتوغ» هم یکی از این واژه‌هاست. در دوران قاجار، قهوه‌خانه‌ها بسیار رونق داشتند. یکی از لایه‌های اجتماعی قهوه‌خانه‌رو در آن دوره، ورزشکاران زورخانه‌ها بودند. آن‌ها پس از ورزش در زورخانه برای رفع خستگی به قهوه‌خانه می‌رفتند. برخی قهوه‌خانه‌ها «توغ» داشتند و توغ همان علم عزاداری است. قهوه‌خانه‌ای که توغ داشت، مبارک و مقدس به شمار می‌آمد. پهلوانان و لوطیان پای توغ قهوه‌خانه می‌نشستند و آنجا را پاتوغ می‌گفتند. در محرم، پاتوغ‌نشینان هر محله‌ای توغ قهوه‌خانه محله خود را برمی‌داشتند و به حسینیه یا تکیه محل می‌رفتند. با این وصف پاتوغ دارای معنایی مثبت و مقدس بود که منشأ این کلمه به قهوه‌خانه می‌رسد. قهوه‌خانه در ایران نامی آشنا برای همگان است اما پیدایش قهوه‌خانه در ایران به شکل یک نهاد عمومی و اجتماعی، بنا به گزارش برخی سیاحان اروپایی در سفرنامه‌هایشان، به دوره صفوی بازمی‌گردد.

پیش از این که قهوه‌خانه‌ها شکل مردمی به خود بگیرند، در دربار صفوی و سپس قاجار، مکان‌هایی به نام آبدارخانه و قهوه‌خانه وجود داشتند که در آن‌ها انواع شربت‌ها و عرقیات و نوشیدنی‌ها را تهیه و به درباریان و مهمانان داخلی و خارجی عرضه می‌کردند. یکی از این نوشیدنی‌ها قهوه بود که مخصوص درباریان و رجال مملکتی بود و عمومیت نداشت؛ اما کم کم قهوه‌نوشی به محیط بیرون دربار راه یافت. پیش از آنکه جای در ایران شناخته شود، قهوه در ایران شناخته شده بود اما در ابتدا قهوه‌نوشی در ایران عمومیت نداشت و اندک اندک میان برخی از اقشار مردم بویژه نخبگان و اعیان مرسوم شد. بعدها که ناقله مردم ایران با چای آشنا شد، کم کم جای چای قهوه را در قهوه‌خانه‌ها گرفت اما نام قهوه‌خانه همچنان بر روی این مکان باقی ماند. اگر به لاهیجان رفته باشید حتماً مجسمه کاشف‌السلطنه را که با عصایش میان شهر قد علم کرده است دیده‌اید. در میان مردم این طوط مشهور است که او در هنگام بازگشت از هند چند تخم چای را در عصای خود مخفی و با خود به ایران آورده و با وجود همه مخالفت‌ها شروع به کشت چای کرد. شاید آن روزها کسی باور نمی‌کرد که چای، روزی مهم‌ترین نوشیدنی در ایران شود و از قهوه سبقت بگیرد.

قهوه‌خانه از آغاز شکل‌گیری‌اش تا امروز نقش و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و هنری گوناگونی در جامعه ایرانی داشته است. به گفته نصرآبادی در تذکره‌اش، در دوره صفویه قهوه‌خانه‌ها محل جمع شدن شعرا و ادبا و نویسندگان و به نوعی محفل ادبی بوده است. در عصر ناصری هم برخی قهوه‌خانه‌ها مانند «قهوه‌خانه یوزباشی» در حوالی شمس‌العلماء، میعادگاه شعرا و محل شعرخوانی آن‌ها در جمع شاهزادگان و درباریان و بزرگانی بود که در قهوه‌خانه جمع می‌شدند. بسیاری از صاحبان قهوه‌خانه‌ها نیز شاعر، هنرمند و موسیقی‌شناس بودند و مردم به این جهت جذب قهوه‌خانه‌های آن‌ها می‌شدند. از این رو یکی از نقش‌ها و کارکردهای اولیه قهوه‌خانه را می‌توان توسعه و اشاعه شعر، ادب و موسیقی دانست. قهوه‌خانه‌ها در شکل‌گیری و رشد دو مکتب هنری کلامی و تجسمی یعنی نقالی و نقاشی نیز نقش بسزایی داشتند. نقالی و شاهنامه‌خوانی در این افراد رشد کرد و نقاشی کردن در قهوه‌خانه و تداوم آن بعدها به سبک و شیوه خاصی منتهی شد که به مکتب نقاشی قهوه‌خانه معروف است. جذاذ کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و هنری، قهوه‌خانه‌ها نقش سیاسی و اجتماعی هم داشتند و در نبود رادیو، تئاتر، نقال‌ها خبرهای سیاسی و اجتماعی روز را می‌دادند و از حکومت‌ها به جد و طنز انتقاد می‌کردند.

بهترین دوره رونق و شکوفایی قهوه‌خانه‌ها در ایران، دوره قاجار بویژه دوره ناصری بوده است. قهوه‌خانه از این دوره تا دوره پهلوی اول بسیار کارآمد و فعال و پاتوق اقشار و لایه‌های مختلف اجتماعی بود. یکی از قهوه‌خانه‌های معروف در ایران، «قهوه‌خانه خران» یا «اشکالر قهوه‌سی» در تبریز بود که رسوم جالبی داشت. کسی که قصد حضور در این قهوه‌خانه را داشت باید تاب و توان پذیرش شوخی‌های خرکی را می‌داشت. البته برخلاف اسم قهوه‌خانه این مکان محل حضور سیاستمداران و افراد متفکری بود که به علت اختناق حاکم در جامعه از طریق طنز در این محفل، افکار و عقاید خود را بیان می‌کردند. بدین ترتیب می‌توان گفت قهوه‌خانه‌ها نقشه در خور توابع در فرهنگ ایرانی داشتند. اما کم‌کم با ورود ایران به دوره مدرن این مکان کارکرد فرهنگی خود را از دست داده و مکان‌هایی جدید با نام کافه، عهده‌دار این قسم از فعالیت‌های فرهنگی شدند و اندک اندک قهوه‌خانه کارکرد فرهنگی خود را از دست داده و آن را به کافه‌ها واگذار کرد.

پدیده کافه به شکل و سیاق امروزی در دهه ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ به تقلید از غرب در تهران شکل گرفت. نخستین کافه در تهران، «کافه لقاطه» بود که پاتوق اعیان و اشراف و اداری‌های دربارها و فرنگ‌دیده‌ها و بعضی روزنامه‌نگاران و نویسندگان بود. یکی از اثرات دگرگونی نظام اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران بویژه جامعه شهری، حضور زنان در کافه‌ها بود. در گذشته امکان حضور در قهوه‌خانه برای همه اقشار جامعه بجز زنان فراهم بود. زنان در قهوه‌خانه‌ها جایی نداشتند اما با شکل‌گیری کافه‌ها به شکل امروزی، قشر کافه‌نشین دچار تحول و دگرگونی شد و کافه به جنس خاصی تعلق نداشت و کافه‌ها پاتوغ افراد و طبقات و گروه‌های خاصی از زنان و مردان از نویسنده و شاعر و هنرمند شدند و طبقات پایین اجتماعی جایی در کافه‌های جدید نداشتند اما قهوه‌خانه همچنان به صورت مستقل به حیات خود ادامه داده است و با نقش و کارکردی متفاوت با کافه‌های امروزی و قهوه‌خانه‌های گذشته ایفای نقش می‌کند. امروزه هنگام قدم زدن در شهر، در خیابان‌های اصلی و فرعی مغازه‌هایی با شیشه‌هایی مات دیده می‌شود که فضای داخل آن برای رهگذران قابل رؤیت نیست. مشتریان امروز قهوه‌خانه‌ها بیشتر جوانانی هستند که برای وقت‌گذرانی و گپ زدن با دوستان خود به قهوه‌خانه‌ها می‌روند. با وجود اسم قهوه‌خانه، خبری از قهوه نیست و چای تنها نوشیدنی‌ای است که در قهوه‌خانه عرضه می‌شود. دیگر خبری از شاعران و نقالان و اهالی فرهنگ و سیاست هم نیست.



گفت‌وگو با «ادریس عبدی‌پور» تهیه‌کننده سینما، که حالا صاحب یکی از معروف‌ترین کافه‌های ایران است؛

پاتوقی در کوچه‌پس‌کوچه‌های قدیمی بوشهر

امردم |مسعودنبی دوست:عبدی‌پورها حالا دیگر برای خیلی از خور‌های سینما و داستان‌خوان‌های حرف‌های آدم‌های آشنایی هستند؛ دوبرادری که حال‌وهوای زندگی بوشهری در همه جای کار‌هایشان پیداست؛ از انتخاب بازیگرشان برای فیلم، تعیین شخصیتشان برای داستان، انتخاب موضوعات و قصه‌ها و خلاصه

همه چیزهایی که داستان و فیلم آن‌ها را به جغرافیایی از دنیای واقعی وصل می‌کند. آن‌ها البته غیر از اینکه داستی در سینما و داستان داشته باشند، در این سال‌ها صاحب یکی از معروف‌ترین پاتوق‌های محلی ایران هم هستند؛ پاتوقی در انتهای یکی از قدیمی‌ترین کوچه‌های بوشهر، به یک کوچه نیمه‌مترو که که حالا

عادی هزینه تعمیر و نگهداری دارد. همین الان هم که پنج سال گذشته، اتاق‌های بالا هنوز کار دارد.

♦ **آن موقع در بوشهر هم نمونه این کار نبود؟**
بله. اینجا نخستین جا بود و ما قرار بود که یک خانه تاریخی را تبدیل به یک محیط فرهنگی – گردشگری کنیم. در این کار هم اصلاً نگاهمان اقتصادی بودن کار نبود. بعد هم تبدیل شد به یک هتل سنتی سه هفته‌تمرین کرده‌بودیم، ولی تهیه‌کننده سرانجام زورزش غالب است.

♦ **احسان و ادریس عبدی‌پور چطور از سینما به کافه حاج رئیس رسیده‌اند؟**

فکر کنم سال ۹۲ بود که همین فضا را که از خانه‌های قدیمی بوشهر بود، گرفتیم. خب شاید ۷۰ درصد فیلمبرداری فیلم پاپ هم در همین فضا ساخته شده است. همزمان با «پاپ» و «تیک‌آف» بود که کم‌کم مرتب این خانه را شروع کردیم.

♦ **به لحاظ مالی هم آدم‌های متمولی بودید؟**
نه. شاید در یک سال پول را به صاحبش دادیم. در حالی که اینجا، ملک هم خیلی گران است. البته که درباره جام جهانی بود. آنجا هم من تهیه‌کننده بودم. یادم هست آن زمان هنوز فیلم‌های ویدئویی در جشنواره فیلم فجر دوری می‌شد. آن موقع این فیلم هم جایزه بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را گرفت. سال ۸۹ فیلم همسنگار را کار کردیم که آن هم در جشنواره فجر بهترین فیلم شد. بعد هم «تنهای تنها» و «پاپ» را کار کردیم. «پاپ» البته چند سالی توقیف بود و تازه امسال اکران شد. بعد نوبت به «تیک‌آف» رسید. خیلی فیلم دیگر هم بوده که من اکنون خاطرم نیست. در خیلی‌ها احسان نویسنده و کارگردان بوده و من تهیه‌کننده و مدیر تولید. خلاصه دور هم ساخته‌ایم فیلم‌ها را.

♦ **و شما اینجا را انتخاب کردید.**
ما همیشه دوست داشتیم پاتوقی توی این شهر باشد که چهار تا میهمان وقتی می‌آید، جایی داشته باشیم. طبق معمول به بحث مالی‌اش هم فکر نکردیم. جالب اینکه همان موقع که مشغول مرمت و تعمیرات خانه بودیم، برای نخستین بار مراسم روز جهانی نی‌انبان را برگزار کردیم. شاید ۱۵۰ نوازنده نی‌انبان هم آمدند. پیش از آن هم برای نخستین بار روز خیام را برگزار کرده‌بودیم.

♦ **پس اصلاً پیش از اینکه خانه تعمیر و آماده شود، قرار بود اینجا یک پاتوق فرهنگی باشد.**
بله. موقع خرید هم انگیزه همین بود.

♦ **و این آدم‌ها دوست دارند بپایند، روی صندلی‌های چوبی کوچک بنشینند و در کوچه چای بخورند؟ به همین راحتی؟**
بله. پنجشنبه و جمعه‌ها هم خیام‌خوانی داریم. آن موقع که باید برپا بایستید. دیگر جایی برای نشستن نیست. این در حالی است که ما کوچک‌ترین تبلیغی هم نکرده‌ایم. حتی چند جا در کوچه‌ها علامت

گذاشتیم که کافه کدام طرف است، ولی همین هم به اصرار مشتری‌ها بوده، چون در این کوچه پس‌کوچه‌ها مدام افراد گم می‌شدند. حتی خود بوشهری‌ها هم خیلی در این کوچه‌ها نایمده بودند، چه رسد به گردشگرها.

♦ **و خیلی از مشتری‌های شما اصلاً بوشهری نیستند**
بله. زیاد می‌آیند. خیلی از کوله‌گذا و هیچ‌پایکرها می‌آیند اینجا. خیلی‌هایشان هم همین‌جا اقامت می‌کنند. مدل اینجا هم این است که هیچ حساب و کتابی با این جور مسافرها ندارند. بقیه هم گردشگرهای معمولی هستند. جالب اینکه همه هم خودشان را صاحب اینجا می‌دانند. همه با خودشان فکر می‌کنند که اینجا چقدر پرسنل دارد. در حالی که همه اینجا دلی کار می‌کنند. یکی جای می‌برد، یکی کمک می‌کند. ما خودمان دو سه تا هستیم، ولی پنج، ۶ نفر می‌آیند اینجا برای کمک.

♦ **و خودتان هم کار می‌کنید. نگران هم نیستید که به عنوان کسی که تهیه‌کننده و مدیر تولید خیلی از فیلم‌ها بوده، جای جلوی مشتری بگذارید؟**

نه افراد هم وقتی این فضا را می‌بینند، خودشان هم همین شکلی می‌شوند. من فکر می‌کنم وقتی خودت جور خاصی فکر کنی، آدم‌هایی هم که می‌آیند، ناخواسته خودشان را می‌گیرند. برای من هم که هیچ افتی ندار چای بدمم دست مردم. تازه احسان هم همین‌طور است. فرقی ندار. دلالان هم تازه نخستین بار است که به این مسئله فکر می‌کنم که اگر یک نفر بیاید، زشت نباشد من جلوی کسی چای می‌گذارم.

♦ **و تجربه چند شب حضور من می‌گوید که در چایخانه حاج رئیس اصلاً هیچ حساب و کتاب رسمی‌ای هم وجود ندارد.**

هر کسی که می‌آید، پرایش چای می‌آورند. کسی هم چای‌ها را جمع نمی‌زند. فقط هر کسی که می‌خواهد برود، خودش می‌رود سه دستگاه کارتخوان و کارت می‌کشد. کارت هم که نکشد، کسی کاری ندارد. درست‌مثل همان چیزی که گفتیم، همه، اینجا را برای خودشان می‌دانند. برای همین لازم نیست کسی چیزی را مدیریت کند.

♦ **و برنامه‌های فرهنگی هم خیلی اینجا برگزار می‌شود. درست است؟**
ما مثلاً «کوچه فستیوال» را در اسفندماه داشتیم. اگر خدا بخواهد، امسال هم برگزارش می‌کنیم. در این جشنواره، موسیقی اقوام را داشتیم. شبی دو برنامه موسیقی داشتیم که مردم هم می‌آمدند و تا پشتبام می‌نشستند. مثلاً گروه‌های لرستان و کردستان و شمال و این‌ها بودند. امسال هم می‌خواهیم یک گروه از هند بیاوریم. یک گروه از عراق و همین‌طور ادامه



عکس: علیرضا مصدونی

به‌قدم آن‌ها و کافه و چایخانه‌شان شلوغ‌تر از همه شهر است. روایت «ادریس عبدی‌پور» روایت همین کافه متفاوت است؛ کافه «حاج رئیس» در خانه قدیمی رئیس‌التجار بوشهر؛ جایی که توی فضای مجازی جزو معروف‌ترین پاتوق‌های اجتماعی ایران است و توی فضای حقیقی یکی از متفاوت‌ترین‌هایشان.

به‌دیم ت‌این برنامه تبدیل به یک برنامه بین‌المللی شود. ♦ **و هزینه‌ها را چه کسی تأمین می‌کند؟**
خب می‌دانید که این کار هزینه زیادی دارد، ولی ما توانستیم بدون حتی یک قران اسپانسر این کار را اجرا کنیم. ما پارسال برگزار کردیم و البته مقداری هم متضرر شدیم. یعنی ما ۲۰، ۳۰ میلیون تومان از جیبمان گذاشتیم و حدود ۱۵ روزی هم تعطیل بودیم، ولی توانستیم برنامه را خوب برگزار کنیم. شما از درآمد اینجا پرسیدیم. همین جا بد نیست بگویم که ما از ۳۶۵ روز شاید، ۲۰۰روز اینجا کار کنیم. بقیه روزها درگیر همین برنامه‌ها هستیم.

♦ **و مردم هم برای این برنامه‌ها بلیت می‌خرند؟**
بله. مثلاً در همین جشنواره کوچه، هر کدام از مردم ۴۰هزار تومان هزینه بلیت می‌دهند. خب به گروه‌ها هم دستمزد دادیم. گروه اول تا سوم هم غیر از دستمزد و هزینه ورودی‌شان، جایزه‌هایی گرفتند.

♦ **و غیر از این فستیوال چطور؟ درگیر چه کارهایی بوده‌اید در این سال‌ها؟**

من همیشه دوست داشتم بین بوشهر و بمبئی ارتباطی دوباره برقرار کنیم. چون قدیم بین این دو شهر خیلی ارتباط برقرار بوده و افراد با لنج‌های بادبانی می‌رفتند. آنجا اینجا اصلاً مسیر تجارت بوده و خیلی رفت‌وآمد بوده بین این دو شهر. تقریباً همه ناخندهای قدیمی هم این مسیر را رفتند. برای همین هم خیلی از موسیقی‌ها و عزاداری‌هایمان هم متأثر از همدیگر است. خیلی از بوشهری‌های قدیمی هم زبان هندی را بلدند.

♦ **و دوست داشتید که این ارتباط با بگیرد.**
بله. چند وقت پیش رفتم بمبئی تا برنامه‌ریزی کنم و مثلاً چیزی شبیه «هفته فرهنگی بوشهر» را برگزار کنیم. خلاصه رفتم و حدود ۱۰ روز آنجا بودیم. بعد هم برنامه‌ریزی کردیم و ۵۰ نفر از بوشهری‌ها را با خودمان بردیم. گروه موسیقی لیان بود. عموخدر به عنوان یکی از خیام‌خوان‌های قدیمی همراهمان بود. صنایع دستی و غذا و نمایشگاه عکس و اکران فیلم، موسیقی و عزاداری‌هایمان را آنجا اجرا کردیم. چهار تاجرا گروه لیان داشت. ۱۰۰۰ نفر از غذای بوشهری دادیم. خلاصه کار به شبکه‌های مختلف و روزنامه‌ها کشید. آنجا ۷۰ میلیون تومان هم از جیبم گذاشتم.

♦ **پس وضعیتان خوب است. چون بالاخره تأمین این هزینه خیلی آسان نیست.**
نه، ولی نگاهم این است همین پولی که از این کار درمی‌آید، برای همین شهر خرج شود. در آن ماجرا البته شهرداری کمک کرد، ولی کلاً از رسوم هزینه شد. بعد هم که دلار بالا رفت و خلاصه خرجمان نزدیک ۲۰۰ میلیون تومان رسید. البته خیلی اتفاقات خوبی افتاد. بعد هم جوری شد که آن‌ها هر سال از ما دعوت می‌کنند که با هزینه خودشان برویم آنجا.



یکی از گروه های موسیقی در «کوچه فستیوال» کافه حاج رئیس



اجرای برنامه «کوچه فستیوال» در کافه حاج رئیس



چایخانه حاج رئیس؛ فضایی دنج در یک کوچه قدیمی



بافت قدیمی بوشهر و کوچه منتهی به کافه حاج رئیس

هنر و سینما

سینما و سینما

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۷

۱۲ | جمادی الثانی ۱۴۴۰ | ۱۸ فوریه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۰۶

خبر

تهیه‌کننده «دیدن این فیلم جرم است» از فشارها می‌گوید

خودتان فیلم را بیرون بکشید!

فارس: تهیه‌کننده فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» گفت: روز قبل از جشنواره سا ما تماس گرفته شد و از ما خواستند خودمان داوطلبانه فیلم را از جشنواره بیرون ببریم. در دومین روز از هشتمین



هم‌اندیشی سینما انقلاب و جایزه سینمایی «قنوس» فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» ساخته مجید زهتاپچیان در سالن شهدای سرچشمه بهارستان به نمایش درآمد. در این هم‌اندیشی، بعد از اکران فیلم، جلسه نقد و بررسی با حضور کارگردان، محمدرضا شافا تهیه‌کننده فیلم و کیوان امجدیان منتقد و کارشناس سینما برگزار شد.

شافه در قسمتی از این نشست با اشاره به مشکلاتی که در طول ساخت سر راه این فیلم بود، گفت: تمام مجوزهای خیابانی ما و مجوزهای حمل اسلحه و لباس نظامی و تجهیزات، با مجوز فیلم کوتاه و اسامی فیلم‌های

بی‌ربط و کودکانه گرفته شده است.

وی افزود: روز قبل از جشنواره هم با ما تماس گرفته شد و از ما خواستند که خودمان داوطلبانه فیلم را از جشنواره بیرون ببریم. حالا هم با این شرایط، برای اکران بسیار عجله داریم. البته یک مقداری پس‌تولید هم باقی مانده است و امیدواریم با همین فرمانی که آدمیم تا اکران هم جلو برویم.

برنده اسکار، داور جشنواره پویانمایی تهران شد

مهر: محمدرضا کریمی‌صارمی، دبیر یازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران از حضور برنده جایزه اسکار در ایران خبر داد و گفت: در حالی دآوری بخش بین‌الملل این جشنواره از روز دهم اسفند آغاز می‌شود که خالق انیمیشن کوتاه «پدر و دختر» (برنده اسکار در این هیئت حضور خواهد داشت. وی اضافه کرد: در روز پایانی این جشنواره فرصتی فراهم آورده‌ایم که علاقه‌مندان امکان دیدن با این هنرمند را داشته باشند و دودوک در نشستی با عنوان «مایکل دودوک و فیلم‌هایش» گفت‌وویی صمیمانه با مخاطبان خواهد داشت. کریمی‌صارمی با اعلام اینکه این نشست ۱۶ اسفند برگزار می‌شود، در پایان بیان کرد:وی قرار است درباره شیوه ساخت آثارش، دیدگاهی نسبت به آن‌ها و در واقع حول محور آثار خود سخن بگوید و پاسخگوی مخاطبان نیز باشد.



یازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران از ۱۲ تا ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ به دبیری محمدرضا کریمی‌صارمی در مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنسری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در خیابان حجاب با نمایش آثار منتخب داخلی و خارجی در چند بخش میزبان هنرمندان و علاقه‌مندان خواهد بود.

«**پسران سندباد» به «هنر و تجربه» می‌آیند**

مهر: مستند «پسران سندباد» به کارگردانی رضا حائری از روز چهارشنبه اول اسفند با نمایش در خانه هنرمندان تهران و پردیس هویزه مشهد اکران خود را در گروه «هنر و تجربه» آغاز می‌کند.



در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: ۴۰ سال پیش خانم ماریون کاپلان عکاس مجله نشنال جئوگرافیک برای تهیه گزارشی درباره قدیمی‌ترین مسیر تجارت دریایی جهان تصمیم می‌گیرد با یک کشتی بادبانی ایرانی از خلیج‌فارس عازم جنوب آفریقا شود اما به باور دریانوردان سنتی یک زن تنها هیچ کاه نباید مسافر کشتی بادبانی شود. سال‌ها بعد از این ماجرا، خانم کاپلان برای دیدار دوباره با همسفرانش که زمانی او را بدیمن می‌دانستند عازم بندر کنگ در جنوب ایران می‌شود. اما این دیدار نیز آن طور که او فکر می‌کرد پیش نمی‌رود.

عوامل این فیلم مستند عبارتند از تهیه‌کننده و کارگردان: رضا حائری، تدوین: سلی میرشرافی، تصویربرداران: رضا تیموری و داوود اشرفی، پژوهشگر: علی پارسا، صدا: مهرداد ملکوتی، مدیر تولید: فخر مهاجر، عکاس: حمید اسکندری، تهیه‌شده در: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

چه فیلم‌هایی در نوروز ۱۹۸۸اکران می‌شود؟

باشگاه خبرنگاران: اکران اول و دوم نوروز برای فیلمسازان و صاحبان آثار و حتی چرخه سینما مهم‌ترین زمان در طول سال است و خیلی‌ها تمایل دارند در این برهه فیلمشان را بر پرده سینماها ببینند. همان گونه که

ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر اعلام کرد اولویت اکران نوروزی با فیلم‌های حاضر در این رویداد فرهنگی هنری خواهد بود و در این راستا برای تعدادی از فیلم‌ها درخواست داده شده است، اما باید دید این حرف تا چه حد محقق می‌شود.

تسا به این لحظه آیین‌نامه جدید اکران و سرگروه‌ها برای نمایش‌های نوروزی اعلام نشده‌این در حالی است که زمان زیادی تا عید باقی نمانده و باید دید آیا برای سال جدید شاهد افزایش قیمت بلیت هستیم یا خیر؟

چرا که هر سال در چنین فیلم‌های نوروزی شاهد ترکیب هفت فیلم با ژانرهای مختلف بودیم و پیش‌بینی می‌شود امسال نیز چنین اتفاقی رخ دهد. با نگاهی به فهرست سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، احتمالاً این چهار اجتماعی، انقلابی و دفاع مقدس دیده می‌شود. «متری شیش و نیم»، «قصر شیرین»، «سال دوم دانشکده من»، «سرخیوست»، «طلا»، «غلامرضا تختی»، «بیست و سه نفر» و «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» جزو فهرست اکران‌های اول و دوم نوروز باشند که از سینمای کمدی تا سینمای اجتماعی، انقلابی و دفاع مقدس دیده می‌شود.

اما علاوه بر فیلم‌های جشنواره، آثاری چون «دختر شیطان»، «تگراس ۲»، «چهار انگشت»، «زن خوک»، «زندانی‌ها» و «رحمان ۱۴۰۰» هستند که خارج از فضای جشنواره تولید و آماده شده و احتمال دارد در اکران نوروزی قرار بگیرند.



گفت‌وگو با اشکان رهگذر کارگردان انیمیشن برتر جشنواره فیلم فجر

قصه‌ای شاهنامه‌ای در «آخرین داستان»

فیلم انیمیشن ۱۲۰ دقیقه‌ای، از سال‌ها پیش آغاز شد و برای نخستین بار بهار امسال در بخش غیر رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم انیمیشن انسی به نمایش در آمد و همچنین نخستین اکران خود در ایران را در جشنواره بین‌المللی انیمیشن کودک و نوجوان اصفهان تجربه کرد. این انیمیشن از جمله انیمیشن‌های حاضر در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر بود که در بخش سودای سیمرغ با دو انیمیشن «بنیامین» و «شب آفتابی» علی مدنی به رقابت پرداخت و سیمرغ بلورین بهترین



جشنواره فرصت بسیار خوبی برای دیده شدن کار من است، زیرا «آخرین داستان» پیش از اینکه در داخل کشور دیده شود در خارج از کشور دیده و تشویق شده است، اما زمانی که من توسط داور و فیلمساز هموطن خودم تشویق شوم اعتبار و ارزش دیگری دارد

مختلف به آن پرداخته می‌شود و در نتیجه با پیرنگ اصلی داستان ارتباط برقرار کردند و خیلی برایشان جالب بود که این انیمیشن از ایران می‌آید و می‌توانند با اسطوره‌های ایرانی آشنا شوند و آن را تحسین می‌کردند. ضمن اینکه از این حجم کیفیت و تازگی کار متعجب شده بودند و یک منتقد اسپانیایی در یک نقدی راجع به «آخرین داستان» نوشته بود که این کار game of thrones خاورمیانه است.

♦ **یکی از نکات جالب در این پروژه حضور ستاره‌های سینما به عنوان صداپیشه است؛ هر چقدر که در هالیوود این مسئله امری رایج است، اما می‌توان گفت که در ایران تقریباً بی‌سابقه است. این اتفاق چقدر به بهبود کار و پیشرفت کار کمک کرد؟**

همان طور که اشاره کردید این یک روند معمول در سینمای صنعتی استاندارد در دنیا است و ما هم سعی کردیم چنین تجربه‌ای داشته باشیم. مسلماً حضور این بازیگران به عنوان صداپیشه در اِسن انیمیشن به کیفیت کار و گیشه کمک خواهد کرد. هرکدام از اِسن بازیگران علاقه‌مندانش را به سینما می‌آورد و به فروش کمک خواهد کرد. همه این بازیگران همکاری می‌شد مخاطبان با کار ارتباط برقرار کنند، نبرد خیر و شر بود که فکر می‌کنم در تمامی فرهنگ‌های دنیا در قالب داستان‌ها و اساطیر

ا سیمیا و سینما/ صبا کریمی | «آخرین داستان» نخستین انیمیشن بلند سینمایی به کارگردانی اشکان رهگذر است که از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ در استودیو هورخش تولید شده است. داستان این فیلم برداشتی آزاد از داستان «ضحاک» شاهنامه فردوسی است و از پایان حکومت جمشید تا آغاز حکومت آفریدون را روایت می‌کند. درونمایه فیلم برپایه داستان ضحاک در شاهنامه و نگاهی به این داستان در دیگر نوشته‌های کهن ایرانی، مانند بندش و وندیداد است. پروژه ساخت این

♦ **«آخرین داستان» سال‌های زیادی را در پروسه طولانی سبزی کرده است. قدری درباره روند ساخت این انیمیشن توضیح دهید.**

فکر می‌کنم هر کسی که در حوزه هنرهای دراماتیک کار می‌کند شاهنامه در گوشه‌ای از ذهنش حک شده است، چرا که منبع عظیمی از حماسه، داستان، درام و فانتزی دارد و خوراک خوبی برای سینماست. من هم از این قاعده مستثنی نبودم و علاوه بر آن در خانواده‌ای بزرگ شدم که تمام کودکی من با داستان‌های شاهنامه و هزار و یک شب گذشته است. در همان دوران کودکی پدرم علاقه بسیاری به انیمیشن داشت و با طراحی‌هایی که من انجام می‌دادم مرا بسبب تشویق می‌خورد که یک پیش‌درآمدی چرا این قدر تولید این کار تولید طول کشیده، باید بگویم که به طور کلی انیمیشن فرایند طولانی دارد و در بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید انیمیشن همچون دیزنی یا پیکسار سریع‌ترین روند تولید سه تا چهار سال است و حتی اگر هم بکشد خیلی جای تعجب ندارد. البته پروژه ما از این زمان عبور کرد و تقریباً در مدت زمانی ۹ ساله به تولید کامل رسید.

♦ **در سال‌هایی که مشغول به تولید کار بودید، پیشرفت‌های تکنیکی در انیمیشن هم اتفاق افتاد، آیا این تغییرات منجر به تأثیرگذاری روی تولید کار شد؟**

در پروسه تولید کار ما چند اتفاق افتاد و در میانه راه کار به دلیل مشکلات مالی متوقف شد و طبعاً تیم تولید تغییر کرد. از طرفی دیگر سناریوی داستان را در حدود ۷۰-۶۰ درصد تغییر دادیم و آنجا بود که تغییرات و تنوعی که در تکنیک به وجود آمده بود را در کار لحاظ کردیم و بخش‌هایی از کار را دور ریختیم و دوباره ساختیم. البته باید به این نکته اشاره کنم که این کار دودبعی است و در کارهای دودبعی هنر بسیار مهم‌تر از فناوری است. همان طور که اشاره کردم بخشی از این توقف و کند شدن

سینماگرام

بالا بردن کیفیت ضبط آثار فاخر تلویزیونی برای فروش بین‌المللی

ساخت «سلمان» و «موسی (عليه السلام)» با فرمت 8k

در فرمت 4k و سریال‌های الف ویژه این سازمان در فرمت 8k تولید می‌شوند.کوچی در توضیح این فرمت بیان کرد: کیفیت تصویر 8k هشت برابر بالاتر از کیفیت تصویر موجود است که سریال‌های تلویزیونی پخش می‌شوند. تا به امروز در دیگر کشورهای دنیا کمتر از تعداد انگشتان یک دست سریال در این کیفیت تولید شده است و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از پیشروهای سریال سازی در این کیفیت در دنیا است.

وی در ادامه تأکید کرد: صداوسیما ی ایران همیشه در آسیا پیشرو بوده و این بار نیز باوجود شرایط سیاسی خاصی که بر کشور ما حاکم شده و تحریم‌های متنوعی که به ناحق اعمال شده است باز هم به افق‌های دور نگاه می‌کند و با وجود محدودیت‌هایی که این صنعت در دنیا دارد محاسباتی انجام داد تا سریال سازی در ایران مجهز به این تجهیزات شود.

وی با بیان اینکه در کشورهای پیشرفته دنیا فیلم‌های فاخر باکیفیت بالا ضبط می‌شوند تا به فروش در بازارهای جهانی برسند، ادامه داد: با بالا بردن کیفیت ضبط آثار فاخر تلویزیونی، به فروش بین‌المللی آن‌ها فکر می‌کنیم که قابلیت پخش باکیفیت خوب در همه کشورهای دنیا را داشته

باشد.



سینماپرس: دو سریال الف ویژه «موسی (ع)» و «سلمان فارسی» در سینما فیلم با فرمتی بالاتر از

اج دی ساخته می‌شوند.

حسین کوچی، پشتیبان تولید نمایشی سیما فیلم درباره فرمت جدید سریال‌های الف ویژه این سازمان گفت: با توجه به سیاست‌گذاری‌های جدید مدیران سازمان صداوسیما از این پس مقرر شده است تا فرمت سریال‌های الف ویژه این سازمان به 8k تغییر کند.

وی ادامه داد: تاکنون سریال‌های تولیدشده در سیما فیلم تنها در فرمت اچ دی، تولید می‌شدند، اما از این پس سریال‌های الف فاخر این سازمان

سینماگرام

فروش نازل فیلم‌ها پس از اشباع سینماروها در جشنواره فیلم فجر

گیشه‌های سرد



بانسی فیلم: با گذشت حدود یک هفته از پایان جشنواره فیلم فجر ۳۷ و پیوستن هفت فیلم از چهارشنبه گذشته به ترکیب اکران، هنوز گیشه نتوانسته است گرمای سابق خود را بازابد.

این در حالی است که سازندگان فیلم‌های تازه به میدان آمده و دفاتر پخش آن‌ها نیز به دلیل نازل بودن ارقام فروش، فعلاً از اعلام جزئیات گیشه فیلم‌ها خودداری می‌کنند.

«فریه فنی»، «هت تریک»، «سوءنقاهم»، «مأموریت غیر ممکن»، «اشغال‌های دوست داشتنی»، «جن زیبا» و «فرامون پارک شهر»، هفت فیلمی هستند که از

چهارشنبه ۲۴ بهمن روی پرده رفته‌اند. در این میان البته دو فیلم فروش نسبتاً قابل قبولی داشته‌اند. «اشغال‌های دوست داشتنی» ساخته محسن امیر یوسفی که بعد از طی سال‌ها دوره توقیف و بلاتکلیفی اکران شده، در طول سه روز حدود ۴۰۰ میلیون تومان فروخته و «هت تریک» بعد از سه روز در

تلاش برای رسیدن به مرز ۲۰۰ میلیون تومان است.

بخشی از جریان استقبال نسبی از «اشغال‌های دوست داشتنی» را می‌توان ناشی از تکرانی سینماروها را به

محاق رفتن مجدد فیلم دانست که موجب شده تا برای

تماشای آن در همین روزهای نخست، اشتیاق و انگیزه

داشته باشند.

هر چند باید دید استقبال نسبی از دو فیلم «اشغال‌های

و

